

ارزیابی کتاب «مطلع القوافی فی علم الاصول» براساس معیارهای یک کتاب درسی

مرتضی یزدانی^۱، مریم محمودی^۲

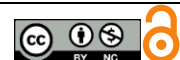
۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: m.mahmoodi@iau.ac.ir

چکیده

مطلع القوافی فی علم الاصول، رساله ای آموزشی اثر رضیالدین محمد بن محمد شفیع مستوفی نویسنده قرن یازدهم ه. ق.، با نثری مصنوع دردیباچه و برخوردار از ویژگی های کلی نثر این دوره در سایر بخش ها است. موضوع این کتاب عروض و قافیه و صنایع و بدایع شعری و معانی و بیان است. هدف این مقاله آن است تا با ارزیابی کتاب مطلع به عنوان کتابی آموزشی، نشان دهد ویژگی های کتاب های درسی تا چه اندازه در این کتاب رعایت شده است. این ارزیابی به روش توصیفی - تحلیلی، انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد در کتاب «مطلع»، اهداف آموزشی و کوتاه مدت و روش های رسیدن به آنها روشن و شفاف در دیباچه (مقدمه) بیان نشده است. کاربرد واژه های عربی و بسامد بالای آنها (آیات، احادیث، اشعار و روایات)، کاربرد واژه های دشوار و متروک، اصطلاحات علمی، فلسفی و عرفانی (بدون توضیح کافی)، جمله های طولانی، نداشتن راهنمای شفاف و روشن، نبود فعالیت ها و تمرین های مناسب، ابهام ساختاری و دستوری و ابهام در دریافت معانی واژه ها از ارزش علمی کتاب کاسته است. در نام گذاری فصل ها و مقوله ها از کلمات کلیدی، استفاده نشده است. بسامد بالای نمونه های شعر و نثر عربی، بیانگر عدم ارتباط نویسنده و خواننده فارسی زبان، تناقض فرهنگی و ایدئولوژیک میان آنها و تحمیل باورها و عقاید نویسنده به مخاطب است.

کلیدواژگان: مطلع القوافی، بلاغت، کتاب درسی، معیارها، ارزیابی



شیوه استناددهی: یزدانی، مرتضی، و محمودی، مریم. (۱۴۰۵). ارزیابی کتاب «مطلع القوافی فی علم الاصول» براساس معیارهای یک کتاب درسی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴ (۳)، ۱-۱۸.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۴ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۶ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

Evaluation of the Book *Matla' al-Qawāfi fi 'Ilm al-Uṣūl* Based on the Criteria of a Textbook

Morteza Yazdani¹, Maryam Mahmoodi^{1*}

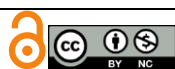
1. Department of Persian Language and Literature, Deh.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: m.mahmoodi@iau.ac.ir

Abstract

Abstract: *Matla' al-Qawāfi fi 'Ilm al-Uṣūl* is an instructional treatise written by Razi al-Din Muhammad ibn Muhammad Shafi' Mostowfi, an eleventh-century AH author, featuring an ornate prose style in its preface and exhibiting the general characteristics of prose from that period in its remaining sections. The subject matter of this book includes prosody, rhyme, poetic devices and rhetorical embellishments, as well as semantics and rhetoric. The purpose of this article is to evaluate *Matla'* as an educational text and to demonstrate the extent to which the characteristics of textbooks have been observed in it. This evaluation was conducted using a descriptive-analytical method. The findings of this study indicate that in the book *Matla'*, educational and short-term objectives, as well as the methods for achieving them, are not clearly and explicitly stated in the preface (introduction). The use of Arabic vocabulary and its high frequency (including Qur'anic verses, hadiths, poems, and narrations), the use of difficult and obsolete words, scientific, philosophical, and mystical terminology (without sufficient explanation), lengthy sentences, the absence of a clear and explicit guide, the lack of appropriate activities and exercises, structural and grammatical ambiguities, and ambiguities in understanding the meanings of words have diminished the scholarly value of the book. In the naming of chapters and categories, no use has been made of keywords. The high frequency of Arabic prose and poetic examples indicates a lack of connection between the author and the Persian-speaking reader, as well as cultural and ideological contradictions between them and the imposition of the author's beliefs and ideas upon the audience.

Keywords: *Matla' al-Qawāfi*, rhetoric, textbook, criteria, evaluation



How to cite: Yazdani, M. & Mahmoodi, M. (2026). Evaluation of the Book *Matla' al-Qawāfi fi 'Ilm al-Uṣūl* Based on the Criteria of a Textbook. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(3), 1-18.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 January 2026

Revise Date: 01 May 2026

Accept Date: 08 May 2026

Initial Publish: 28 August 2026

Final Publish: 23 September 2026

مقدمه

مطلع القوافی فی علم الاصول، رساله‌ای آموزشی و در واقع یک کتاب درسی در عروض و قافیه و صنایع و بدایع شعری، متعلق به قرن یازدهم هـ.ق. است. مؤلف کتاب خود را به دو مصراع (بخش) تقسیم و هر یک از آن‌ها را به چهار رکن (فصل) تقسیم نموده است. مصراع اول، متضمن عروض و قوافی بر اسلوب ارباب عروض و وزن، مشتمل بر چهار رکن. رکن ۱. تعریف شعر و تفصیل اقسام آن و حد عروض و وزن و شرح حروف و حرکات. رکن ۲. حد تقطیع و بیان ازاحیف و تعداد فروعی که از استعمال ازاحیف متولد گردند. رکن ۳. شرح بحوری که از ترکیب ارکان منبعث گردند و ثبت دوائر و فلک بحور و تفصیل بحور اصلی و فرعی. رکن ۴. محتوی بر علم قوافی. مصراع دوم، در صنایع و بدایع. رکن ۱. بیان آنچه به فن معانی و بیان اختصاص دارد. رکن ۲. در صنایع معنوی که بلاغیون از فن بدیع به حساب می‌آورند. رکن ۳. در ذکر صنایع اختصاص یافته به فن بدیع. رکن ۴. در ذکر سایر آنچه در اتمام این بنای رفیع، ضروری است. این اثر از نسخه‌های خطی است که تاکنون منتشر نشده است. از این کتاب، چهار نسخه خطی موجود است:

۱- نسخه شماره ۴۹۶۸. خط نستعلیق. کاتب: برخورداربن ولایت‌الله جریادقانی. در قرن ۱۲ کتابت شده، در ۲۶۸ برگ و در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد نگهداری می‌شود.

۲- نسخه شماره ۲۸۸. خط نستعلیق شکسته. کاتب: محمدشفیع طباطبایی. در سال ۱۱۰۶ کتابت شده، در ۱۴۸ برگ و در کتابخانه سپهسالار تهران نگهداری می‌شود.

۳- نسخه شماره ۱۵۵۰۵. خط نستعلیق. کاتب نامعلوم است. در قرن ۱۳ کتابت شده، در ۱۰۴ برگ و در کتابخانه مرعشی قم نگهداری می‌شود.

۴- نسخه شماره ۱۳۰۸. خط نستعلیق. کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم است. در ۵۳ برگ در کتابخانه شیخ علی حیدر مشهد (ملحق به آستان قدس رضوی) نگهداری می‌شود (۱).

از جمله دلایل انتخاب کتاب مطلع برای پژوهش این است که یکی از علومی که باید آن را نتیجه و زاینده نزول قرآن و کلیدی برای گرفتن بهره کامل از آن به شمار آورد، علوم بلاغی است. ابوهلال عسکری (متوفی ۳۹۵ هـ.ق.) در اهمیت بلاغت می‌گوید: «سزاوارترین علوم پس از شناخت خداوند، جلّ و علا، برای یادگیری و حفظ، علم بلاغت و شناخت فصاحت است که اعجاز قرآن به آن است و هنگامی که انسان نسبت به علم بلاغت غفلت و در شناخت فصاحت کوتاهی کند، نسبت به اعجاز قرآن عالم نخواهد بود؛ به جهت این که خداوند در آن تألیفی نیکو و ترکیبی نزه درانداخته است و از این رو، سزاوار است انسان این علم را بر دیگر علوم پس از علم توحید و شناخت عدل و تصدیق وعده و وعید او مقدم نماید» (۲).

اولین اثر مدون و مکتوب را که مستقیماً در بلاغت و صناعات بدیعی فارسی بحث کرده است، ترجمان‌البلاغه رادویانی از قرن پنجم دانسته‌اند. تألیف و تصنیف آثار بلاغی در قرون بعد نیز ادامه پیدا کرد. در قرن یازدهم نیز آثار فراوانی به رشته تحریر درآمد که هرچند از نظر حجم قابل توجه است، اما به نظر می‌رسد از حیث محتوا، ابتکار و نوآوری چندانی ندارند. این فرضیه دلیلی بر توجه نکردن به نسخه‌های خطی و تصحیح نیست و بایسته است همه میراث مکتوب گذشته، به‌ویژه آنچه از زبان و ادبیات فارسی و علوم ادبی باقی مانده است، تصحیح و ویراسته شود و به عیار نقد سنجیده، تا قدر و ارج آن معلوم گردد.

این پژوهش بر آن است تا یکی از نسخه‌های قدیمی در علم عروض و قافیه و صنایع و بدایع شعری را معرفی نماید و با شاخص‌ها و معیارهای استاندارد، وزن، اعتبار و قابلیت علمی آن را به‌عنوان یک کتاب درسی و آموزشی بررسی و ارزیابی نماید.

هر نویسنده هدفی را از نوشتن دنبال می‌کند که بستگی به اهداف شخصی، فرهنگی، آموزشی یا تجاری دارد که می‌تواند انتقال دانش و اطلاعات، ترویج دیدگاه‌ها و باورها، بیان خلاقیت هنری، ثبت وقایع تاریخی، آموزش و تربیت، سرگرمی و تفریح یا کسب درآمد و شهرت باشد. بدیهی است کتابی که به قصد آموزش و تربیت نوشته می‌شود، اهداف آموزشی مشخصی را دنبال می‌کند و در قالب فصل‌ها، بخش‌ها و تمرین‌ها سازماندهی شده تا فرآیند یادگیری را ساده‌تر و منظم‌تر کند.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

معیارها و استانداردهای یک کتاب درسی چیست؟

کتاب «مطلع» به‌عنوان یک کتاب درسی و آموزشی تا چه حد معیارها و استانداردهای یک کتاب درسی را رعایت کرده است؟

پیشینه پژوهش

نسخه خطی مطلع تاکنون به زینت طبع آراسته نشده است و تنها مقاله مرتبط با آن اثر یحیی کاردگر و فاطمه مهدوی با عنوان «معرفی کتاب مطلع و جایگاه آن در کتب بلاغی» است. نویسندگان در این مقاله ضمن بررسی ویژگی‌های این اثر و مقایسه با کتب بلاغی دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که «دقت در تبویب مباحث بلاغی-عروضی، تفکیک شاخه‌های چندگانه علوم بلاغی، نگاه انتقادی به کتب پیشین، ارائه نمونه‌های متنوع از شعر و ادب فارسی و عربی، فارسی‌گرایی، توجه به متون شیعی، معاصرگرایی و انعکاس ویژگی‌های بلاغی شعر سبک هندی با ارائه نمونه‌هایی از گویندگان این شیوه، از ویژگی‌هایی است که این اثر را از دیگر آثار بلاغی-عروضی ممتاز می‌کند».

بحث و بررسی

معیارها و استانداردهای بررسی یک کتاب درسی

در قرن نوزدهم، بسیاری از کشورها شروع به تدوین و توسعه کتاب‌های درسی استاندارد کردند، اما این کتاب‌ها بیشتر جنبه حفظ کردن مطالب و آموزش‌های رسمی داشتند و چندان توجهی به

فناوری و روش‌های نوین تدریس نمی‌شد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با رشد فناوری‌های چاپ و انتشار و همچنین دیدگاه‌های نوین در آموزش، تحولاتی در ساختار و محتوای کتاب‌های درسی رخ داد. اما تحول بزرگ‌تر و قابل توجه‌تر در شیوه‌های آموزشی و طراحی کتاب‌های درسی، با توجه به نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و نیاز به آموزش‌های فعال و مشارکتی، در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی شروع شد.

«کتاب درسی به‌عنوان ابزار مهم آموزش از گذشته‌های دور در خدمت آموزش قرار گرفته است و همواره یکی از ابزارهای مهم در آموزش محسوب می‌شود، به‌ویژه در نظام آموزشی ما، جایگاه ویژه‌ای دارد و در تهیه و تدوین آن باید از معیارها و استانداردهای دقیق بهره جست» (۳). در سال‌های اخیر، جدای از شیوه‌ها، نظریه‌ها و مکاتب مختلف نقد ادبی، صاحب‌نظران راه‌کارهای متنوعی برای ارزیابی کتاب‌های تألیفی در حوزه آموزش علوم انسانی و نیز سایر دانش‌ها ارائه کرده‌اند.

در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های کتاب درسی مطلوب دانشگاهی از دیدگاه استادان و دانشجویان» که آرمند و دیگران بدان پرداختند، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران و همچنین استادان و صاحب‌نظران کشور در رشته‌های مختلف علوم انسانی، اعتقاد داشتند در کتاب‌های درسی باید ویژگی‌ها و استانداردهای زیر رعایت شود (۴):

- ۱- تهیه طرحی متناسب با محتوای کتاب، روی جلد کتاب.
- ۲- استفاده از شکل و تصاویر، تا حد امکان، برای تفهیم مخاطب.
- ۳- ارائه فهرست مطالب در ابتدای کتاب.
- ۴- تبیین هدف‌های آموزشی در ابتدای فصل.
- ۵- ارائه ارجاعات مختلف در پاورقی.
- ۶- ارائه طرح سؤال‌هایی برای بحث و تحقیق در پایان هر فصل.

کاربردی بودن، قابل بررسی و اندازه‌گیری بودن و بسامد بالای آن‌ها بوده است.

معیارهای استخراج‌شده:

ذکر صریح اهداف آموزشی در مقدمه و اعمال آن در متن کتاب
تشریح و کاربرد درست و روشن کلمات و اصطلاحات
قابل قبول بودن دیدگاه‌ها و نگرش‌ها از لحاظ آموزشی و اجتماعی
برای جامعه هدف.

پیش‌بینی ارزشیابی و مرور دوره‌ای برای هر فصل یا کل کتاب
در دسترس بودن تصویرها، جدول‌ها و نمودارها برای فهم بهتر
محتوای کتاب

داشتن عناوین، فعالیت‌ها و تمرین‌های جذاب

راهنمای شفاف و واضح برای انجام فعالیت‌ها و تمرین‌ها.

سازماندهی مفاهیم و مطالب کتاب به‌طور منظم، منسجم و منطقی
از ساده به دشوار

کاربردی بودن کتاب در تقویت مهارت‌های چهارگانه یادگیری
(شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن)

در این مقاله تلاش می‌شود با معیارهای فوق کتاب مطلع ارزیابی
و بررسی شود.

تطبيق معیارهای کتب درسی با کتاب مطلع

ذکر صریح اهداف آموزشی در مقدمه و اعمال آن در متن کتاب
مطلع یک کتاب آموزشی است، اما مطابق معمول کتب دیگر، مقدمه
یا دیباچه کتاب با عباراتی مسجع و مطمئن آغاز می‌شود و نویسنده
بر این نکته تأکید می‌کند که سخن و شعر سروده‌شده، شایسته
است با توانایی ذهنی شاعر، چارچوب و ساختاری زیبا داشته باشد.
نویسنده با حمد و ستایش خداوند، سروده خود را تقدیم درگاه
الهی نماید:

«طلای کامل عیار کلمات فصاحت‌سمات که در معادنِ خواطرِ
خورشیدنظائرِ نکته‌پردازنِ وافر است، پرورش یافته؛ و ... شایسته
آن است که به نیروی قوتِ ذهن، اورنگی مثنی از آن، ترکیب داده،

خلخال در پژوهشی دیگر به نام «ویژگی‌های مطلوب کتاب درسی
و اصول و تنظیم و بررسی و ارزشیابی آن» به معیارهای دیگری
برای کتاب درسی مطلوب اشاره دارد:

۱- مطالب و فعالیت‌های پیشنهادی در کتاب درسی باید بر اساس
برنامه و هدف‌های آموزشی معین باشد.

۲- توالی مطالب در یک سیر مشخص و با توجه به یادگیری‌های
قبلی فراگیر باشد.

۳- مطالب و فعالیت‌های پیشنهادی باید بر انگیزش‌ها و تحریک
حس کنجکاوی تأکید بسیاری داشته باشد.

۴- پرسش‌ها و تمرین‌ها باید در جهت ارزشیابی قلمروها و سطوح
متعدد تفکر انسانی و همچنین ارزیابی ارزش‌ها، نگرش‌ها و
مهارت‌های علمی باشد.

۵- مطالب ارائه‌شده حتی‌الامکان با زندگی روزمره و محیط
اجتماعی مربوط باشد.

۶- مطالب و شیوه‌های ارائه‌شده باید جدید، پیشرفته و متحول
باشد.

۷- کتاب درسی به‌گونه‌ای باشد که پاسخ‌گوی نیازهای گروه‌های
متفاوت مردم در نقاط مختلف کشور باشد.

۸- محتوای کتاب باید توجه دانش‌آموزان را به اهمیت بررسی‌های
کمی و لزوم دسترسی به دلایل و منابع متعدد جلب کند (۵).

علی جهانگرد، در حوزه آموزش زبان انگلیسی، برای ارزیابی
کتاب‌های مورد نظر خود از چک‌لیستی ترکیبی بهره برده است. در
این روش، ابتدا محقق از میان چک‌لیست‌های استاندارد و
بین‌المللی متعدد، ده نمونه را برگزیده است. سپس با بررسی و
واکاوی این چک‌لیست‌ها، از میان شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی،
شاخص‌ها و معیارهای مشترک در اغلب این ده چک‌لیست را برای
ارزیابی کتاب‌های مورد نظر خود انتخاب کرده است (۶). طبیعتاً
ملاک و استدلال او در گزینش معیارها و سنجه‌ها، علمی بودن،

ارکانش را مرصع فرموده، به تسویت اجزایش پردازد؛ و قواعدش را متوازی و دعایمش را متوازن سازد» (۷).

نویسنده در ادامه با همان سبک نوشتن به حمد و ستایش خداوند می‌پردازد. با تلمیح به آیات قرآن، انسان را حامل بار امانت الهی می‌داند و از لطف و بخشش بیکران خداوند و ناتوانی عقل در شناخت او و کرم و انعام او می‌گوید و این‌که پیروی از خدا و پیغمبر موجب رستگاری است. سپس به ستایش پیامبر و اهل بیت او می‌پردازد و پس از آن، «امام المتقین، ابوالحسن، مرتضی علی» را ستایش می‌کند. از آفرینش عالم و افلاک و آبی هفتگانه و ارتباط آن‌ها با بحور عروضی، برتری شاعران و اهل سخن بر سایر مردم، اهمیت علم عروض و بلاغت در زدودن نقایص کلام می‌گوید و انگیزه خود را برای نوشتن کتاب چنین بیان می‌کند:

«کلک شکسته‌بال این پریشان‌احوال را شعله این هوس از دل سر برزد و سبزه این داعیه از ساحت طبع خامه پریشان‌رقم سرزد. اگر کلمه [ای] چند، متضمن وصف عروض و صنایع شعر و قوافی در هر یک از این مطالب وافی، خالی از اطنابی که دل‌ها را ملال فزاید و معرّا از ایجازی که معانی مقصوده را بیان ننماید، نیرنگ‌زده صفحه تحریر سازد ...» (۷).

نویسنده مطلع همچنین در مقدمه، اظهار شکسته‌نفسی و تواضع می‌کند:

«این سیاه‌نامه قلمرو آفرینش که در بازار استعداد تهیدست‌تر از آرزوهای خام خویش است، به کدام سرمایه به سودای جنس گران‌بهای این‌گونه متاعی شگرف تواند پرداخت؛ و این بی‌سواد مکتب‌خانه دانش و بینش که در دبیرستان فضل و کمال، پریشان‌تر از دل هوس‌کیش است، به چه دست و دل، رقوم این معانی را بر لوح بیان مرقوم تواند ساخت.» (۷).

و از روزگار گلایه می‌کند که:

«سموم غموم روزگار غنچه [ای] در گلبن دل نگذاشته که نخل آرای حدیقه سخن‌سنجی توانم گشت؛ و هجوم هموم لیل و نهار، چشمه

مصفا [ی] خاطرَم را به نوعی به خاشاک کدورت نیانباشته که گرد رخسار شاهدان لفظ و معنی را از رشحات آن توانم شست؛ ... صرصر بی‌مهری دوران برگ گل‌های خاطرَم را به تراج داده؛ و دست بی‌مروّتی جهان، سلسله یأس از هر امید بر پای دل نهاده؛» (۷).

در این شرایط یأس و ناامیدی و سرخوردگی، قلم، نویسنده را به تألیف کتاب تشویق می‌کند:

«قلم به زبان صریر جواب گفت که اگرچه تشنه‌لبیات در بیابان سموم‌خیز دوران پیداست، و آبله‌پایات در تکاپوی صحرای آتش‌انگیز جهان هویدا، هنوز توانی که به دست اندیشه، جامی زلال عذوبت مال از چشمه‌سار طبع، سرشار کرده بر سیرابدلان مناهل کمال عرض نمایی ...» (۷).

شفیع با عبارتی پرطمطراق و طولانی به مدح ممدوح می‌پردازد و از فضل و دانش او داد سخن می‌دهد:

«خاطر خورشید نظرش بیاضی از فیض قلم قدرت نامتناهی، رقوم اطلاع بر حقایق اشیاء عالم بر صفحاتش نگارش پذیرفته ... زینت‌افزای صُفّه وزارت اعظم؛ سرافرازی‌بخش افسر کفالت مهمام جمهور اُمم؛ مطلع قصیده عظمت و اقبال؛ مطلع بر دقایق حقایق ملک و مال؛ ... صدر بیت دانش؛ صدر پیکر آفرینش؛ واقف مواقف معارف؛ کاشف غوامض عوارف؛ ... یعنی «خلیفه سلطان»» (۷).

مؤلف، پس از لفاظی بسیار در مدح ممدوح، عزم و تصمیم خود برای نوشتن و وجه تسمیه کتاب را بیان می‌کند، اما اهداف آموزشی کتاب و روش‌های رسیدن به این اهداف را روشن و شفاف بیان نمی‌کند تا افراد درگیر آموزش و یادگیری، بدانند هر شخصی بعد از خواندن این کتاب، به کدام یک از اهداف آموزشی، شناختی، رفتاری و احساسی دست می‌یابد.

همچنین، اهداف کوتاه‌مدت نیز مشخص نشده است. نویسنده نمی‌گوید که بعد از خواندن این کتاب، خواننده به چه اهداف مورد نظری می‌رسد؟ جایگاه این کتاب در آموزش عروض و علوم

بلاغی کجاست؟ برای کدام گروه از خوانندگان عروض و علوم بلاغی؛ و در چه سطحی نوشته شده است؟ نویسنده در مقدمه، اطلاعات کافی و خطمشی مناسبی به خواننده ارائه نمی‌کند که در این کتاب، چه می‌خواند؟ چه مطالبی مورد بررسی قرار می‌گیرد؟ و از کجا به کجا می‌رسد؟

کتاب آموزشی در هر زمان و دوره‌ای متناسب با اهداف آموزشی آن زمان نوشته می‌شود. مقدمه کتاب به گونه‌ای نوشته نشده است تا با اهداف آموزشی زمان خودش نیز هم‌خوانی داشته باشد، ولی در مدح «خلیفه سلطان» مبالغه نموده است.

مطلع، کتابی تخصصی در علم عروض و بلاغت است، اما نویسنده روشن و واضح بیان نمی‌کند که آیا کتاب او جنبه عمومی دارد یا کتابی مختص تدریس این دانش‌ها است؟ آیا کتابی است برای مدرسان و معلمان عروض و بلاغت؟ یا برای شاعران و سخن‌دانان؟ یا مبتدیان در این علوم؟

یکی از اهداف آموزش، افزایش سطح شناختی یادگیرنده است، نه صرفاً افزایش سطح دانشی و محفوظات مانند جداول وزن شعر و مهارت‌های شناختی مانند تفکر انتقادی، مطالبه‌گری، پرسشگری، حل مسئله، تفکر منطقی و توان استنتاج به خواننده کمک می‌کنند تا به جزئیات متن توجه کند و آن‌ها را دریابد و انواع مغالطه‌ها، سفسطه‌ها و اطلاعات نادرست را تشخیص دهد و در برابر آن‌ها توان مقاومت و مراقبت از خود را داشته باشد و در نهایت به درک درستی از علم عروض، بلاغت و بدیع نائل گردد. با وجود این، مؤلف در مقدمه خویش اشاره نکرده است که از لحاظ روان‌شناختی، کدام مهارت‌ها مورد تأکید است؟ هیچ توضیحی ارائه نمی‌شود که این کتاب تا چه سطحی، حوزه شناختی را افزایش می‌دهد؟ خواننده با مطالعه کتاب، چه اندازه توانایی مقایسه مقوله‌های گوناگون و تشخیص نقاط قوت و ضعف آن‌ها را کسب می‌کند؟

تشریح و کاربرد درست و روشن کلمات و اصطلاحات

در نوشتار علمی لازم است نویسنده به عمق واژه‌هایی که به کار می‌برد توجه نماید. یعنی آیا کلمه‌های استفاده‌شده در متن، جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و نحوی آن با دوره زمانی تألیف اثر تناسب دارد یا نه؟ کلمات، عناصری جدا و بیرون از متن نیستند و واژه‌های به‌کاررفته در متن، سنخیت و انسجام دارند یا نه؟ برخی واژه‌ها معانی مختلف دارند. آیا کلمه‌ای که در متن به کار رفته، معنی مورد نظر نویسنده را به‌خوبی به خواننده منتقل می‌کند و برای خواننده قابل درک است یا نه؟

در متن کتاب مطلع، به‌ویژه در دیباچه، واژه‌هایی فراوانی است که درک معنای آن برای خواننده آسان نیست. برای نمونه، واژه‌هایی مانند: «خفی، جلی، ثقیل‌الوزن، فروع، ازلی، متواتر، مترادف، متکافوس، متراکب، مصفأ، مطموس، مجتث، مزال، طی، مقطوع، مشعث، مضارع» جدای از معنای لغوی، برخی از واژه‌ها معنای اصطلاحی دارند و دریافت آن‌ها برای خواننده دشوار و مبهم است. نمونه از متن مطلع:

«گنج شایگان محبت را در نهان‌خانه دل حق‌بینان که مهبط انوار خفی و جلی است به ودیعت نهاده؛ و بار ثقیل‌الوزن امانت را بر دوش پیکر خفیف‌القدر ایشان که فروع دوحه قدرت ازلی است، داده؛ ... عقل متدارک را هوش و شعور در مقام شناختش مطموس و دوحه فکر و نظر مجتث؛ و فهم مزال را پای حدس و ذکا در طی طریق دریافتش مقطوع؛ و ضمیر مشعث قطرات میزاب سرابستان انعامش نه‌ری شگرف که مزارع کونین را از فیض مضارع، جهان ساخته؛» (۷).

در یک متن علمی، کلماتی که معنایی دشوار دارند، در پاورقی یا پی‌نوشت توضیح داده می‌شود. در متن مطلع، واژه‌های بسیاری است که به دلایل متعدد نیاز به توضیح دارند، اما نویسنده هیچ توضیحی درباره هیچ‌یک ارائه نکرده است. بسیاری از این واژه‌ها، کلماتی هستند که حتی در زمان نویسنده هم، واژه‌هایی متروک بوده و کاربردی نداشته است. مانند: «شتی، زخار، دیهیم، منهال،

کریاس، رفنا، امتیاز، خوست، الیق، ملاذ، خدیو، حتف، انهی، غوشت، مشیته، تنوی، کاغذآل. این واژه‌ها اگر در اشعار و آثار منثور گذشتگان نیز به کار رفته باشد، نویسنده باید درباره هر کدام به قدر کافی توضیح می‌داد. اما جز در یکی دو مورد که معنی لغوی واژه را گفته، درباره سایر موارد هیچ توضیحی ارائه نکرده است.

اصطلاحات عرفانی یا فلسفی متن نیز نیازمند شرح و توضیح هستند، نظیر: «انوار خفی و جلی، ترک و تجرید، شاهد، فصول ذاتیه، مزارع کونین، افلاک سبعة، عالم سفلی، ارکان بسیطه، عناصر صرفه، سراچه فانی، ممکنات، اشراق، مشا»؛ اما مؤلف هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره آن‌ها به مخاطب نمی‌دهد. حتی واژه‌ها و اصطلاحات عروضی بدون توضیحی دقیق و روشن، سطحی و گذرا از آن‌ها عبور شده است. اصطلاحاتی مانند «ایقاع، وتد، سبب، وتد مقرون، وتد مفروق، سبب خفیف، سبب ثقیل، جذع، جب، جحف، تخنیق، سلخ، طمس، معاقبه، فاعلاتن مقطوعی، فاعلاتن مفروقی و ...» در واقع، نوعی عدم تعادل میان اهمیت کلمه و تعداد کلماتی که برای شرح و تعریف آن استفاده می‌شد، دیده می‌شود. تلفظ بسیاری از واژه‌ها برای خواننده کتاب دشوار است. نویسنده جز در مواردی نادر، برای تلفظ و درست خواندن واژه‌های دشوار، هیچ راه‌کاری به کار نبرده است.

قابل قبول بودن دیدگاه‌ها و نگرش‌ها از لحاظ آموزشی و اجتماعی برای جامعه هدف.

رولان بارت گفته است در تدوین یک برنامه درسی، شاخص‌های ساختار، عملکرد، موقعیت، مهارت‌ها باید بررسی شود (8). چنان‌که گفته شد، کتاب مطلع، کتابی درسی و آموزشی است و به قصد آموزش عروض و بلاغت تألیف شده است. اما آیا کتاب در خصوص موارد پنج‌گانه فوق، در آموزش عروض و بلاغت (معانی، بیان، صنایع لفظی و معنوی) مفید و مؤثر بوده است؟

ساختار

«مطلع» به نام وزیر شاه سلیمان، خلیفه سلطان مازندرانی، و به اشاره او تألیف شده است. نویسنده در دیباچه اثر، پس از حمد خدا، نعت رسول (ص) و منقبت علی (ع)، به ستایش وزیر می‌پردازد و پس از مدحی طولانی می‌نویسد:

«عین فیاض احسان؛ عین سپهر امتنان؛ عین شخص اکرام؛ عین مرحمت ملک منعام. یعنی «خلیفه سلطان» کز نور رای او اشراق را به فرقه مشا است افتخار... کمر تحریر این مدعا برستم و به راه‌مونی خامه سحرآیین، سرآستین جامه فکر بر شکستم ...» (7).

و دلیل نام‌گذاری اثرش را به «مطلع» چنین بیان می‌کند:

«و معانی رنگین این مطالب را در الفاظ مطلعی غرا درج نمودم و نافه‌های مضامین متین این مقاصد را در طبله بیتی بلند سر گشودم و به جهت مزید مناسبات و طلوع کواکب نکات از افق عباراتش به «مطلع» موسوم ساختم» (7).

سپس، مؤلف کتاب خود را به بیتی بلند مانند و آن را به دو مصراع، هر مصراع را به چند رکن و هر رکن را به چند حرف، تقسیم کرده است:

«مصراع اول: متضمن عروض و قوافی بر اسلوب ارباب عروض و وزن، مشتمل بر چهار رکن. هر رکنی از ارکانش محتوی بر سه حرف و هر حرفی راجح روح‌پرور معانی را ظرف.

رکن اول: در تعریف شعر و تفضیل اقسام اشعار و حد عروض و وزن و تعداد اسباب و اوتاد و شرح حروف و حرکات، مبین بر سه حرف.

حرف اول: در تعریف نظم و تعداد اقسام شعر و بیان این مطلب که نخستین کسی از صرافان در نظم که به انسلاک لالی شعر در رشته بیان پرداخته، کیست؟ حرف دوم: در حد عروض و وزن. حرف سیم: در بیان اجزای شعر و شرح حروف و حرکات ...» (7). دیباچه یا مقدمه کتاب به نثری مصنوع نوشته شده است و ویژگی‌های کلی نثر دوره صفوی را تمام و کمال داراست.

ویژگی‌هایی چون: «استفاده از آیات و احادیث، استفاده از ضرب‌المثل‌ها و عبارات عربی، درآمیختگی نظم و نثر، وجه وصفی که معمولاً به‌صورت غلط و گاهی درست به کار رفته است و به هر حال ناخوشایند است... جمع بستن با «ات»، مطابقت صفت و موصوف، تابع اضافات، جملات طولانی به سبب آوردن کلمات مترادف، وجوه وصفی، آیات و احادیث، عبارات عربی، شعر، بازی‌های لفظی مخصوصاً توجه به اشتقاق، قرینه‌پردازی و غیره» (۹). برای نمونه:

«سیدالمرسلین و خاتم النبیین و حبیب اله العالمین، محمد المصطفی المجتبی الامین و آل طیبین و عتره طاهرین او که گشایندگان مغالیق ابواب اسرار آغاز و انجام، و راه‌نمایندگان سرگشتگان بیدای لیالی و ایام، و فارسان مضمار هدایات، و حارسان حوزه کاینات، و نگه‌دارندگان سررشته وجود و نگارندگان ارقام حقایق غیب و شهود، و گوهر طرازان بحار معرف ابد و ازل، و نکته‌آموزان عقل اول، و ناظران اشعار قواعد و احکام، و واضعان ابیات مسایل حلال و حرام‌اند...» (۷).

بخش‌های دیگر کتاب نیز ویژگی‌های کلی نثر دوره صفوی را دارد.

عملکرد

مهم‌ترین تأثیر و عملکرد مطلع عبارت است از:

الف) افزایش توانایی خواننده در شناخت و سنجش وزن شعر و آشنایی، تشخیص و درک علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع معنوی و لفظی) است. اگرچه، توضیحات مبهم، نبود مثال‌های کافی، استفاده از نمونه‌های عربی، نثر دشوار، جملات طولانی، عربی‌مآبی و ... مانع از درک و دریافت کامل و مؤثر از علوم بلاغی شده است.

ب) آشنایی مخاطب با نمونه‌های شعر و نثر فارسی و عربی است. نویسنده از این نمونه‌ها برای تفهیم بهتر مطلب مورد نظر خویش بهره برده است.

ج) آشنایی مخاطب با معارف و آموزه‌های دین اسلام و مذهب تشیع به‌واسطه نمونه‌های فراوانی از آیات قرآنی، ادعیه، احادیثی از

رسول گرامی (ص) و ائمه (ع)، یکی دیگر از عملکردهای مطلع است.

د) آشنایی خواننده با نمونه‌هایی از ادبیات عاشقانه، مذهبی و اخلاقی در متون منظوم فارسی.

ه) شناخت و دریافت ویژگی‌های نثر منشیانه دوره صفوی، به‌ویژه کاربرد جملات طولانی و عربی‌مآبی در نثر این دوره.

و) آگاهی از تاریخچه مختصر علم عروض و بلاغت فارسی تا پیش از تألیف کتاب مطلع.

ز) آشنایی مخاطب با باورها، عقاید، احساسات، گرایش‌ها و تمایلات نویسنده مطلع از طریق نمونه‌های شعر و نثر فارسی و عربی که نویسنده، خود برگزیده و ذکر کرده است.

ح) شناخت نسبی خواننده از ساختار سیاسی حاکم در دوره صفویه.

موقعیت

رضی‌الدین محمدبن محمدشفیع مستوفی، از وزرای ادیب عصر صفوی، کتاب مطلع را در قرن یازدهم تألیف کرد. مهم‌ترین حادثه این دوره از تاریخ ایران، رواج مذهب تشیع است؛ یعنی اصول فکری جدیدی در ایران حاکم شد که به‌تدریج در فرهنگ و از جمله در ادبیات تأثیر گذاشت.

از مسائل قابل توجه دیگر، وحدت ایران و قدرتمند شدن آن، بهبود اوضاع اقتصادی، توسعه شهرها، ارتباط با اروپاییان، گسترش تجارت و امنیت راه‌ها است. نیز رواج زبان ترکی به‌طوری‌که زبان آذری در آذربایجان از میان رفت و صائب، شاعر بزرگ این دوره، هشت غزل به ترکی گفته است. ... (۹).

مهارت‌ها

بدیهی است، یکی از اهداف نویسنده کتاب‌های آموزشی، تقویت مهارت‌های مخاطب در علم مورد نظر است. کتاب مطلع می‌تواند مهارت‌های عروضی و بلاغی خواننده را افزایش دهد. از جمله این مهارت‌ها:

داشتن عناوین، فعالیت‌ها و تمرین‌های جذاب

مهم‌ترین مشخصه یک کتاب، عنوان مناسب است. عنوان، هویت کتاب و محتوای آن و هدف اصلی آن را نشان می‌دهد. «محمود فتوحی» در کتاب «آیین نگارش مقاله علمی-پژوهشی»، ویژگی‌هایی را برای عنوان مقاله ذکر می‌کند که با اندکی تغییر می‌توان این ویژگی‌ها را به عناوین و نام‌های کتاب‌های آموزشی و درسی نیز تعمیم داد. بر این اساس، عنوان کتاب آموزشی باید دلالت‌گر، روشن، فشرده و کوتاه باشد. در خاطر خواننده بماند و موضوع را توصیف کند. کلیشه‌ای و مبهم نباشد. ... عاطفی و شاعرانه نباشد؛ زیرا با اهداف منطقی و آموزشی هم‌خوان نیست (10). «مطلع»، عنوانی استعاری و انتزاعی است. اگرچه این عنوان برای کتاب شعر یا داستان، عنوان مناسبی است، اما برای کتاب آموزش عروض، قافیه و بلاغت، عنوان مناسبی نیست و ویژگی‌های گفته‌شده را ندارد.

جدای از دیباچه، کتاب دو بخش اصلی دارد که هر کدام فصل‌ها و قسمت‌های متعددی را شامل می‌شود. نویسنده در نام‌گذاری هر بخش اصلی نیز ابتدا از یک عنوان کلی استفاده کرده و سپس کوشیده است با یک جمله خبری، آن را توضیح دهد. چنان‌که خود می‌گوید، کتابش را به یک بیت تشبیه کرده و هر یک از بخش‌های اصلی را یک مصراع نامیده و فصل‌های هر بخش اصلی را «رکن» و هر رکن را به سه «حرف» تقسیم کرده است. نویسنده برای توضیح هر یک از این عنوان‌ها در پایان دیباچه، که فهرست‌گونه‌ای از محتوای کتاب است، از یک عبارت مصدری، اما در ابتدای هر قسمت کتاب، از یک یا چند عبارت مصدری یا جمله اخباری استفاده کرده است. توضیح هر یک از عناوین، موضوع را برای مخاطب روشن و گویا می‌سازد، ولی این توضیحات در ادامه عنوان فصل یا بخش است و در واقع، عنوانی طولانی برای آن مقوله است؛ جذابیت چندانی ندارد و در یاد و خاطر خواننده نمی‌ماند.

الف) آموختن علم عروض، سنجش وزن شعر و تشخیص صحت و سقم آن.

ب) یادگیری دانش معانی و بیان، صنایع بدیع معنوی و لفظی، تشخیص صور خیال، درک و دریافت و حفظ ادبی بیشتر از متون نظم و نثر.

ج) تقویت مهارت شعرخوانی.

د) افزایش دامنه لغات خواننده، به‌ویژه واژه‌های عربی دخیل.

پیش‌بینی ارزشیابی و مرور دوره‌ای برای هر فصل یا کل کتاب مطلع، کتاب آموزش عروض و قافیه و بلاغت است. طبیعتاً هر مقوله‌ای از این کتاب برای درک بهتر مخاطب، نیاز به خلاصه مبحث و تمرین‌های دوره‌ای دارد. اما متأسفانه، مطلع نه‌تنها چنین ویژگی‌هایی ندارد، بلکه در پاره‌ای از موارد، از مثال‌ها و نمونه‌های کافی نیز بی‌بهره است. برای نمونه، در مقوله مجاز، انواع مجاز و علاقه‌های مجاز، مثال‌ها عموماً عربی است و برای برخی از علاقه‌های مجاز، هیچ مثالی ذکر نشده است. نویسنده، در بخش بدیع، برای آرایه «تجريد»، هفت نمونه عربی آورده، ولی به یک مثال فارسی اشاره نکرده است. در موارد بسیار دیگری نیز چون استعاره، عقلی یا حسی بودن مستعارمنه و ... نمونه‌ها یا همگی به زبان عربی است یا اصلاً نمونه‌ای ذکر نشده، در حالی‌که نویسنده مدعی است کتابش را برای بررسی شعر فارسی نگاشته است.

در دسترس بودن تصویرها، جدول‌ها و نمودارها برای فهم بهتر

محتوای کتاب

از ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی، داشتن تصاویر، جداول و نمودارهای جذاب و مناسب است. کتاب مطلع از این نظر فقیر است. تنها در بخش دواير بحور، چند تصویر دیده می‌شود. حال آن‌که نویسنده می‌توانست برخی مقوله‌ها مانند ارکان عروضی، علاقه‌های مجاز و ... را با رسم جدول و نمودار، برای مخاطب قابل فهم‌تر نماید. همچنین، برای اقسام شعر (قصیده، غزل، مثنوی و ...) هیچ نمونه‌ای ذکر نشده است.

اگر نویسنده هر یک از این بخش‌ها را به قسمت‌های جزئی‌تر تقسیم می‌کرد و از کلمات کلیدی هر بخش یا فصل یا مقوله برای نام‌گذاری استفاده می‌کرد، به ویژگی‌های کلی یک عنوان مناسب نزدیک‌تر بود و با ذوق و مزاج خواننده سازگاری بیشتر داشت. مخاطب را جذب می‌کرد و موجب ملال و خستگی او نمی‌شد. انگیزه او را برای مطالعه بیشتر می‌کرد و تأثیرات درازمدت بر افکار خواننده می‌گذاشت.

راهنمای شفاف و واضح برای انجام فعالیت‌ها و تمرین‌ها.

زبان در نوشتارهای علمی و آموزشی، جنبه اطلاع‌رسانی دارد؛ از این‌رو جلدی، گویا، واضح و منطقی است. کاربرد زبان ادبی و جمله‌های عاطفی، احساسی، کنایی، استعاری از رسانگی زبان علمی می‌کاهد. «استفاده از طنز، طعنه، سخنان دوپهلوی، ابهام و ابهام در نوشتارهای علمی نه تنها پسندیده نیست، بلکه مخرب نیز هست؛ چراکه زبان مبهم و ابهامی و تفسیرپذیر، موجب بدفهمی موضوعات علمی و تخصصی می‌شود» (11). در واقع، خواننده ممکن است دچار ابهام و سردرگمی شود. این ابهام می‌تواند هم از لحاظ ساختاری و دستوری باشد، هم در دریافت معانی واژه‌ها. نویسنده باید متن علمی را به گونه‌ای بنویسد که این گونه ابهام‌ها در آن راهی نداشته باشد.

از ویژگی‌های بارز ساختاری و دستوری کتاب مطلع، جمله‌های طولانی و بسامد بالای واژه‌های عربی (آیات، احادیث، ادعیه، ترکیبات و ...) است. نویسنده مطلع نه در مقدمه و نه در جای دیگری از کتاب، راهنمایی و توضیحی درباره ساختار نحوی ارائه نمی‌دهد تا خواننده به کمک آن توضیحات، درک بهتری از جملات طولانی، تتابع اضافات، وجه‌های وصفی و ... داشته باشد. همچنین، استفاده بیش از حد از واژه‌های عربی و بیگانه، درک، دریافت و تحلیل متن را دشوار ساخته است. بسامد بالای واژه‌های عربی موجب شده است تا خواننده نتواند به کمک نشانه‌های متنی، معنای واژه‌های دشوار عربی را از متن دریابد و مجبور است به‌طور مستمر

به فرهنگ لغت مراجعه کند که سبب خستگی و بی‌انگیزه شدن مخاطب می‌شود.

به‌کارگیری واژه‌های بیگانه عربی در دیباچه به‌حدی زیاد است که نویسنده به تکلف افتاده است. این کلمات و اصطلاحات عربی، نه تنها در انتقال اطلاعات و تفهیم مطلب کمکی نمی‌کند، بلکه ناشی از نوعی غرور علمی و فرهنگی، عربی‌دانی، خودنمایی و خودشیفتگی علمی است. نویسنده، به این‌گونه اعلام می‌کند که جزو طبقه برتر و خبره است. دانش او بالا و بر زبان عربی مسلط است. در حالی که این سبک از نوشتن، علمی نیست، بلکه نوعی سفسطه کلامی است که موجب سردرگمی مخاطب می‌شود و اطلاعاتی به او نمی‌دهد. به بیان دیگر، مؤلف با این شیوه نوشتن، خواننده را تحت تأثیر قرار دهد، او را مرعوب و خلع سلاح کند و از نظر علمی خود را در سطح بالاتری نسبت به مخاطب تعریف کند. این جدایی فکری و شناختی، بین نویسنده و خواننده، حاصلی جز یأس و سرخوردگی خواننده ندارد.

بسامد بالای واژه‌های عربی، از لحاظ هویتی نیز، عدم ارتباط و هماهنگی میان خواننده و نویسنده و تناقض فرهنگی و ایدئولوژیک میان آن‌ها را نشان می‌دهد. خواننده درمی‌یابد نویسنده با این شیوه می‌خواهد باورها، عقاید و ایدئولوژی خود را به او تحمیل کند. این امر، موجب تنش میان خواننده و نویسنده می‌گردد. زیرا خواننده می‌بیند نه تنها شاخص‌های هویتی، فرهنگی و ایدئولوژیک او در کتاب منعکس نشده، بلکه سرکوب هم شده است؛ از این‌رو انگیزه و علاقه خود را برای مطالعه کتاب از دست می‌دهد. حاصل آن‌که نویسنده با کاستن از واژه‌های عربی، می‌توانست بسیاری از آسیب‌های ذکرشده را برطرف نماید.

سازماندهی مفاهیم و مطالب کتاب به‌طور منظم، منسجم و منطقی از ساده به سخت

یکی از مقوله‌های مهم ساختار هر کتابی، تنظیم و سازماندهی منطقی مطالب از ساده به دشوار است. در کتاب مطلع نیز نویسنده

کوشیده است این سیر منطقی را رعایت کند؛ لذا معمولاً هر بخش را با تعاریف آغاز می‌کند. بخش عروض با «تعریف شعر و بیان نخستین کسی که در تازی و فارسی، شعر گفته و اقسام اشعاری که الماس بیان شعرا سفته» آغاز می‌شود. البته، نویسنده برای هیچ‌یک از «اقسام اشعار» (قصیده، قطعه، مثنوی، ترجیع، ترکیب، رباعی و مستزاد) هیچ نمونه و مثالی ذکر نمی‌کند که این مسئله، درک و تشخیص مطلب را برای خواننده مبتدی و ناآشنا دشوار می‌سازد.

در بخش دوم کتاب مطلع، نویسنده مدعی است نخستین کسی است که علوم معانی و بیان، بدیع معنوی و لفظی را از هم جدا کرده است:

«فضای دانشور به تعداد صنایع پرداخته و هریک را بر تخته ابداع، نیرنگ زده‌اند... لیکن، در هیچ‌یک از این مؤلفات بلاغت‌سمات و قصاید صنعت‌آیات از روی ترتیب به ذکر صنایع پرداخته و صنایع لفظی و معنوی را از هم جدا نساخته‌اند. ... به خاطر قاصر، رسید که در نگارش مطالب این فن، مراعات ترتیب نماید» (۷).

جدا کردن این علوم، در «انوار البلاغه» (قرن ۱۱ ق) و پیش از آن در «مفتاح العلوم سکاکی» (قرن ۶ و ۷ ق) و «مطول تفتازانی» (قرن ۸ ق) نیز دیده می‌شود. اما نویسنده مطلع، نظم و سازماندهی نسبتاً دقیق‌تری را رعایت کرده است. در این بخش نویسنده، ابتدا به «آنچه مخصوص فن معانی و بیان است» می‌پردازد. اگرچه، نویسنده معانی و بیان را از هم جدا نمی‌کند، اما آنچه از معانی در نظر دارد، ابتدا بیان می‌کند، سپس مقوله‌های بیانی چون تشبیه، مجاز، استعاره، مجاز مرسل و کنایه را توضیح می‌دهد. البته بهتر بود نویسنده، مجاز مرسل را در ادامه بحث مجاز مطرح می‌کرد.

در بخش بعدی به «ذکر صنایع معنوی» می‌پردازد و چهل و شش صنعت را بیان می‌کند. در بیان صنایع معنوی، ترتیب خاصی دیده نمی‌شود. مؤلف در برخی موارد با ذکر معنای لغوی و ریشه واژه،

درباره صنعت مورد نظر، شرحی همراه با مثال بیان می‌کند و گاه صرفاً توضیحی کوتاه، همراه مثال.

نکته دیگر به سطح سادگی یا دشواری متن مربوط است. ارائه مطالب سطحی و پیش‌پاافتاده، موجب دلسردی و بی‌انگیزه شدن مخاطب می‌شود. از سوی دیگر، دشواری بیش از حد مطالب نیز باعث سرخوردگی مخاطب می‌گردد. بنابراین باید تعادلی بین دانسته‌های مخاطب و اطلاعات ارائه‌شده باشد. به عبارت دیگر، در هر مورد، اطلاعات قبلی همراه با یک نکته جدید ارائه شود، نه اطلاعات قبلی همراه با تعداد بسیار زیادی از نکته‌ها و اطلاعات تازه و نو. بررسی کتاب نشان می‌دهد که نویسنده در بسیاری از موارد، به‌ویژه بخش عروض، متوجه این نکته نبوده است و گاه اطلاعات تازه به شکلی گسترده و پی‌درپی، بدون حتی یک مثال یا تمرینی مختصر، به مخاطب ارائه می‌شود؛ چنان‌که مخاطب، فرصت اندیشیدن به موضوع، تکرار و تمرین آن را ندارد و غلظت اطلاعات داده‌شده به حدی است که موجب سردرگمی مخاطب می‌شود.

نویسنده باید متنی ارائه نماید که مفاهیم آن با پیش‌زمینه ذهنی خواننده در ارتباط باشد. کاربرد بیش از حد آیات، احادیث، ادعیه، اصطلاحات و اشعار عربی که خواننده نسبت به آن‌ها پیش‌زمینه و اطلاعات کافی ندارد، عامل دیگری در ناامیدی مخاطب است. اشاره شد که نویسنده کتاب مطلع، مدعی است که کتاب او «بررسی شعر فارسی» است و برای اثبات این ادعا، از مثال‌ها و نمونه‌های فارسی استفاده کرده است، اما نمونه‌ها و مثال‌های عربی نیز فراوان است. هرچند میزان اشعار فارسی که برای نمونه ذکر کرده است نسبت به اشعار عربی بیشتر است.

بنابراین، استفاده از این حجم از اشعار عربی همراه با واژه‌ها و اصطلاحات عربی فراوان، توجیه منطقی ندارد. نویسنده می‌توانست با کاستن از واژه‌ها، ترکیبات و مترادفات عربی و جایگزین نمودن با واژه‌ها و ترکیبات فارسی، حذف آیات، احادیث، ادعیه و اشعار

عربی و ذکر نمونه‌های فارسی، متن خود را برای مخاطب فارسی‌زبان ارائه نماید. اگر در مواردی ناچار از به‌کاربردن واژه‌ها و اصطلاحات فنی به زبان عربی بوده است، آن را در پاورقی، پی‌نوشت یا حاشیه کتاب توضیح می‌داد تا خواننده دچار سردرگمی نشود.

کاربردی بودن کتاب در تقویت مهارت‌های چهارگانه یادگیری (شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن)

در کتاب‌های آموزشی، نویسنده، اهداف آموزشی، رفتاری و عاطفی را در مقدمه شرح می‌دهد و توضیح می‌دهد که خروجی و برون‌خورد این کتاب چیست و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ خواننده بعد از خواندن این کتاب، چه توانایی‌هایی به دست می‌آورد؟ اما نویسنده مطلع به هیچ‌کدام از این اهداف اشاره نمی‌کند. البته نویسنده یا اهداف فوق را ذکر می‌کند یا به شکل غیرمستقیم دنبال می‌نماید. اما، در بسیاری از موارد، نویسنده بدون توجه به اهداف آموزشی، پرورشی و رفتاری، کتاب خود را تولید می‌کند.

کتاب درسی باید با سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری هم‌خوانی داشته باشد تا خواننده، با خواندن کتاب، این سه حوزه را در وجود خویش تقویت کند. در حوزه شناختی، کتاب باید حیطه‌هایی چون تفکر انتقادی، تحلیل و حل مسئله، خودباوری، تفکر منطقی، پرسشگری، استنتاج و ... را در خواننده تقویت کند. از لحاظ عاطفی، کتاب در خواننده ایجاد علاقه و عواطف او را با کتاب درگیر می‌کند. بین خواننده و نویسنده، ارتباطی عاطفی ایجاد می‌شود و خواننده با عقاید مذهبی، سیاسی، ایدئولوژیک و گفتمان نویسنده، ارتباط عاطفی برقرار می‌کند، نه این‌که از او متنفر باشد. از بعد رفتاری، خواننده با خواندن کتاب، دچار تغییرات رفتاری می‌شود. انسانی بهتر و شخص مؤثرتری برای جامعه می‌شود. تفکر او مثبت و جمعی می‌شود، نه خودمحور، مغرور و خودشیفته. اگر خواننده، ذهنیات و عقاید خطرناکی دارد، با خواندن کتاب تغییر

می‌کند. تعصبات و تفکرات سطحی و محدود خود را دور می‌اندازد و از خود جدا می‌کند.

کتاب مطلع، دو بخش عمده دارد. یکی عروض و قافیه و دیگری بیان و صنایع معنوی و لفظی. نویسنده در هر دو بخش، بیشتر به طرح موضوعات دانشی پرداخته است و تلاش می‌کند اطلاعاتی را در مقوله‌های مختلف عروضی و بلاغی به خواننده ارائه کند. در بخش عروض، نمونه‌های شعری برای درک و تشخیص مقوله‌های عروضی، بسیار اندک و نادر است. خواننده با انبوهی از اطلاعات مواجه می‌شود که فرصتی برای درک و تحلیل آن‌ها ندارد. بنابراین، حیطه‌هایی چون تفکر انتقادی، تحلیل و حل مسئله، خودباوری، تفکر منطقی، پرسشگری و ... در او شکل نمی‌گیرد و تقویت نمی‌شود.

در بخش بیان و صنایع معنوی و لفظی، چنان‌که قبلاً گفته شد، نمونه‌هایی از شعر و نثر عربی ارائه شده است. اما، ذکر یک نمونه فارسی برای هر مقوله، اندک و ناچیز است و نمی‌تواند از نظر شناختی، تغییری در خواننده ایجاد کند.

از نظر عاطفی نیز بخش عروض، صرفاً به بیان قواعد، ارکان و بحور عروضی که اطلاعاتی خشک و بی‌روح است، پرداخته است و نمی‌تواند از نظر عاطفی مخاطب را با خود همراه کند. در بخش بیان و صنایع معنوی و لفظی با ذکر نمونه‌های شعر و نثر، ارتباط عاطفی نسبتاً بین مخاطب و نویسنده پدید می‌آید. دیباچه کتاب با نثری متکلف، نه تنها ارتباط عاطفی پدید نمی‌آورد، حتی ممکن است نفرت خواننده را برانگیزد. وقتی گفتمان و واژه‌های کتاب، بیگانه و دخیل (عربی) باشد، می‌تواند حوزه عاطفی خواننده را سرکوب کند. چون خواننده نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند، انگیزه خود را برای خواندن کتاب از دست می‌دهد. لذا کتاب از این جهت، موفق نیست.

از بعد رفتاری، کتاب مطلع می‌تواند مهارت خواننده در سنجش وزن شعر و تشخیص زیبایی‌های بلاغی شعر و نثر را تقویت کند.

یا مناسک فرهنگی و مذهبی آن‌ها متفاوت باشد و نباید مورد نفرت دیگران قرار گیرد و سرکوب شود.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، کتاب مطلع، اهداف از پیش تعیین‌شده آموزشی را بیان نکرده و با توجه به آن اهداف، تألیف نشده است. مؤلف بدون توجه به اهداف مشخص آموزشی، صرفاً بنا به خواش یا دستور «خلیفه سلطان» کتابی در عروض و قافیه و بلاغت تألیف کرده است. نویسنده می‌توانست با تغییراتی در برخی بخش‌ها، حذف یا اضافه کردن نمونه‌ها و مثال‌ها، جایگزین کردن واژه‌های مناسب، اصلاح ساختار دستوری، توضیح واژه‌ها و اصطلاحات دشوار و ... کتاب را با اهداف آموزشی علم عروض و قافیه و بلاغت به شکلی تشخیصی و کاربردی تطبیق دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study evaluates *Matla' al-Qawāfi fi 'Ilm al-Uṣūl* as an instructional and textbook-like treatise in the fields of prosody, rhyme, rhetorical figures, and Persian-Arabic poetics. The work, attributed to Razi al-Din Muhammad ibn Muhammad Shafi' Mostowfi, belongs to the intellectual and literary milieu of the eleventh century AH and has remained in manuscript form, with several extant copies preserved in major Iranian manuscript collections (1, 7). The book is structurally divided into two main "hemistichs," each consisting of four "pillars," a metaphorical organization that reflects the author's poetic

اما کاربرد بیش از حد واژه‌ها، مترادفات، آیات، احادیث، ادعیه و اشعار عربی، بیانگر تعصب نویسنده به زبان عربی و توجه او به آموزه‌های دینی و مذهبی مورد نظر خود است. نویسنده می‌کوشد به گونه‌ای غیرمستقیم، مخاطب را تحت تأثیر گفتمان هویتی، مذهبی و ایدئولوژیک خود قرار دهد و او را با خود همراه کند. بنابراین، خواننده نه تنها تفکرات سطحی و محدود خود را رها و از خود جدا نمی‌کند، بلکه در او تقویت و نهادینه می‌شود.

در کتاب‌های عروض و قافیه و بلاغت، نمونه‌های شعری به کاررفته، اهمیت فراوان دارد. زیرا بعضی از تشبیه‌ها، استعاره‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تلمیح‌ها و ... می‌تواند موجب رفتار منفی در خواننده گردد یا خرافات و تنفر از فرقه‌های مختلف را تقویت کند. ممکن است، عنصر ادبی زن‌ستیز باشد یا خواننده با خواندن آن کتاب، از افرادی که از نظر هویتی، فرهنگی و ایدئولوژیک با او متفاوت‌اند، متنفر شود. در حالی که بر پایه نظریه‌های جدید علمی، تفکر و رفتار افراد باید بر اساس «انعطاف‌پذیری»، یعنی احترام به تفاوت‌های افراد، باشد. زیرا تفاوت‌ها ممکن است، تفاوت‌های فیزیولوژیک و بیولوژیک یا ساخته گذشته و تاریخیچه افراد باشد imagination and his attempt to align the architecture of the treatise with the terminology of verse. The first hemistich concerns prosody and rhyme, including definitions of poetry, the principles of meter, segmentation, metrical modifications, poetic feet, prosodic circles, and the science of rhyme. The second hemistich turns to rhetorical and literary embellishments, including semantics, expression, and verbal and semantic figures of speech. The significance of studying this work lies not only in its position among premodern Persian rhetorical manuals but also in the possibility of examining how a manuscript designed for instruction corresponds, or fails to correspond,

to the criteria of a modern textbook. Since the sciences of rhetoric and eloquence have historically been viewed as essential tools for understanding literary expression and even the miraculous eloquence of the Qur'an, works such as *Matla'* deserve scholarly evaluation both as literary-rhetorical texts and as educational artifacts (2, 12).

The purpose of the present study is to assess the extent to which *Matla' al-Qawāfī* observes the essential characteristics of an effective textbook. The research follows a descriptive-analytical method and examines the book in relation to criteria derived from studies on textbook evaluation, academic writing, educational organization, and instructional clarity. These criteria include explicit statement of educational objectives, clarity in terminology and conceptual explanation, acceptability of viewpoints for the target community, provision of periodic review and evaluation, availability of visual aids such as tables and diagrams, attractiveness and functionality of titles and exercises, clarity of guidance for learning activities, logical organization of concepts from simple to difficult, and applicability of the book in strengthening the four learning skills of listening, speaking, reading, and writing. Previous research on desirable university textbooks emphasizes the importance of educational objectives, appropriate visual design, clear chapter organization, references, questions for discussion, and activities that stimulate inquiry and learning (3, 4). Similarly, broader frameworks for textbook evaluation

insist that instructional content must be coherent, socially and pedagogically appropriate, sequentially organized, and supported by exercises and assessment tools that help learners consolidate knowledge (5, 6, 13). Based on these criteria, the study investigates whether *Matla'* functions merely as a learned compilation or whether it can be regarded as a pedagogically successful textbook.

The findings show that the book does not clearly state its educational goals in the preface. Although the author announces his intention to write on prosody, poetic devices, and rhyme, he does so through highly ornate, metaphorical, and panegyric prose rather than through a direct educational statement. The preface is filled with praise of God, the Prophet, the Imams, Imam Ali, and the patron Khalifeh Soltan, and it includes expressions of humility, complaint about the hardships of the age, and elaborate rhetorical self-display. However, it does not explain what the reader is expected to learn, what level of learner the book addresses, whether it is intended for teachers, poets, students, or advanced scholars, or what practical competencies should be acquired after studying it. A textbook should define its short-term and long-term objectives, identify the intended audience, and clarify the route through which the learner moves from basic concepts to specialized competence; *Matla'* does not provide such guidance. This weakness is especially important because prosody and rhetoric

require gradual instruction, repeated practice, and conceptual sequencing. Instead, the book's introduction reflects the stylistic conventions of Safavid prose, including ornate composition, extensive Arabicization, long syntactic constructions, frequent allusions, and rhetorical embellishment (9). While these features may have literary value, they reduce pedagogical transparency and make the text difficult for learners who need clear definitions, structured progression, and accessible explanation.

Another major finding concerns the book's language, terminology, and explanatory method. In a scientific and instructional text, technical terms must be explained with sufficient precision, especially when they are archaic, ambiguous, philosophical, mystical, or specialized. In *Matla'*, however, many Arabic, Persian, philosophical, mystical, and prosodic terms are used without adequate explanation. Terms such as *khafī*, *jālī*, *thaqīl al-wazn*, *mutawātir*, *mutarādif*, *mujtathth*, *madhāl*, *maqṭū'*, and *muḍāri'* create interpretive difficulty because they often carry both lexical and technical meanings. The same problem appears in mystical and philosophical expressions such as hidden and manifest lights, abstraction, witness, essential differentiae, the two worlds, the seven spheres, the lower world, simple elements, and possible beings. Prosodic terms such as *īqā'*, *watad*, *sabab*, *watad maqrūn*, *watad mafrūq*, *sabab khafīf*, *sabab thaqīl*, *jadh'*, *jabb*, *jahf*, *takhniq*, *salkh*, *ṭams*, and *mu'āqaba* are

also introduced or passed over without sufficient pedagogical unpacking. From the perspective of scientific writing and editing, such density without definition weakens clarity and hinders comprehension (10, 11). Moreover, the excessive presence of Arabic vocabulary, Qur'anic verses, hadiths, prayers, Arabic poems, and Arabic prose examples creates a linguistic gap between the author and the Persian-speaking learner. Rather than facilitating learning, this style often produces fatigue, dependence on dictionaries, and conceptual uncertainty.

The analysis also indicates that the book only partially succeeds in structural organization. On the one hand, the author attempts to organize the text by dividing it into major parts, pillars, and letters, and he generally begins sections with definitions, which suggests an awareness of logical progression. In the second part, he also claims to distinguish the sciences of meanings, expression, and verbal and semantic embellishments, and this effort gives the book a relatively systematic character. On the other hand, the internal organization is not always pedagogically effective. Some topics are not placed where they would be most logical; for example, discussions of figurative language could have been arranged more coherently. The sections on semantic figures include many devices, but their order does not always reflect a clear educational sequence. In several places, the author provides brief definitions and examples, while in other places he presents extensive

information without adequate explanation, practice, or review. The book lacks chapter summaries, exercises, review questions, guided activities, and formative assessment, all of which are essential for turning information into learning. It also lacks sufficient visual aids. Apart from a few diagrams related to prosodic circles, the book does not use tables, charts, or comparative schemata that could help learners understand prosodic feet, metrical transformations, types of figurative relation, or categories of rhetorical devices. Since effective textbook design requires conceptual scaffolding, meaningful examples, and learning aids, this absence weakens the book's instructional functionality (3, 13).

The study further finds that the title, discourse, examples, and ideological orientation of *Matla'* affect its educational suitability. The title *Matla'* is metaphorical and poetic; although aesthetically appropriate for a literary work, it is not sufficiently clear, descriptive, or instructional for a textbook on prosody, rhyme, and rhetoric. A textbook title should be concise, informative, and directly representative of its content, whereas this title requires interpretation and does not immediately identify the book's educational function (10). The author's use of poetic metaphors for structural divisions, such as hemistich, pillar, and letter, adds literary beauty but does not necessarily improve learning. The selected examples also influence the learner's experience. While the book includes Persian and Arabic examples,

the high frequency of Arabic examples is inconsistent with the author's stated concern with Persian poetry. In some rhetorical categories, Arabic examples dominate, and in some cases no Persian example is provided. This weakens the connection between the Persian-speaking reader and the instructional content. Furthermore, the heavy religious, ideological, and Arabicized discourse of the book reflects the cultural and political context of the Safavid period, particularly the prominence of Shi'i identity and courtly patronage (9). While this contextual dimension is historically meaningful, it may restrict the text's broader educational accessibility and reduce its compatibility with contemporary expectations of inclusive, learner-centered textbook design.

In conclusion, *Matla' al-Qawāfi fī 'Ilm al-Uṣūl* is an important manuscript in the history of Persian prosody, rhyme, and rhetoric, and it deserves attention as part of the written heritage of Persian literary sciences. However, when evaluated according to the criteria of an educational textbook, it reveals significant limitations. Its educational objectives are not explicitly stated; its intended audience and instructional level remain unclear; its terminology is often difficult, archaic, and insufficiently explained; its prose is ornate and structurally complex; its Arabicized style reduces accessibility for Persian-speaking learners; and it lacks adequate exercises, review sections, learning activities, visual aids, and pedagogical guidance. The book has

value as a historical and literary-rhetorical source, but its effectiveness as a textbook is limited by its failure to transform specialized knowledge into a gradual, transparent, learner-oriented instructional system. With clearer objectives, better organization, more Persian examples, explanatory footnotes, simplified syntax, visual schemata, exercises, and periodic reviews, the work could have been more compatible with the educational aims of prosody, rhyme, and rhetoric. Therefore, the evaluation of *Matla'* shows that while the book reflects the literary taste, scholarly ambition, and rhetorical culture of its period, it only partially satisfies the standards expected of a functional and effective textbook.

References

1. Derayati M. Catalogue of Iranian Manuscripts. Tehran: National Library and Archives Organization of the Islamic Republic of Iran; 2014.
2. Askari HiA. Al-Sina'atayn. Beirut: Al-Maktabah al-Asriyyah; 1998.
3. Armand M. Features of a Sample University Textbook: Application of Psychology in Modern Life. Sokhan-e SAMT Quarterly. 2008(20):147-56.
4. Armand M, Norouzzadeh R, Mousapour N, Shabani B, Shokri R. Features of a Desirable University Textbook from the Perspective of Professors and Students. Sokhan-e SAMT Quarterly. 1997;2(2).
5. Rashidi-Khalkhali M. Desirable Features of Textbooks and Principles of Their Organization, Review, and Evaluation. Tehran: Organization for Educational Research and Renovation; 1980.
6. Jahangard. Evaluation of EFL Materials Taught at Iranian Public High Schools. 2008.
7. Shafi Mostowfi Ra-DMiM. Matla' al-Qawafi fi Ilm al-Usul. 1700.
8. Barthes R, Noghrehchi H. Lesson. Tehran: Niloufar; 2014.
9. Shamisa S. Stylistics of Prose. Tehran: Mitra; 1999.
10. Fotouhi M. Guide to Writing a Scientific Research Article. Tehran: Sokhan; 2014.
11. Samiei Gilani A. Writing and Editing. Tehran: SAMT Publications; 2006.
12. Kardgar Y, Mahdavi F. Introduction of the Book Matla' and Its Place in Rhetorical Books. Journal of Literary Arts. 2012;4(2):69-92.
13. Rashidi N. A Comprehensive Framework for Evaluating University Textbooks. Ayar. 2009(22):21-36.